

## سبک بیانی تصریف در قرآن و کاربرد آن در سبک تربیتی با تاکید بر روش تغییر مخاطب

مجتبی انصاری مقدم<sup>۱</sup>، احمد زارع زردینی<sup>۲</sup>، علی محمد میرجلیلی<sup>۳</sup>

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۷/۳ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۹/۲۵)

### چکیده

از دیرباز تاکنون یکی از مهم‌ترین مسائل در خانواده و جامعه، مسئله تربیت است؛ در همه ادوار اندیشمندان حوزه‌های مختلف به دنبال ارائه راهکار مطلوب تربیتی بوده‌اند. با توجه به اینکه قرآن کریم به عنوان آخرین و اصیل‌ترین کتاب آسمانی به شمار می‌رود و نص آن بدون هیچ تغییری همان نص نزول یافته از سوی خداوند متعال است، توجه به روش تربیتی خداوند در قرآن کریم از اهمیت والایی برخوردار است. پژوهش حاضر با روشی توصیفی-تحلیلی به دنبال استخراج الگوی تربیتی خداوند در قرآن کریم است. پس از مطالعه قرآن می‌توان دریافت که در قرآن برای القای مفاهیم از الگویی ویژه به نام «تصریف» استفاده شده است؛ تصریف به معنای «ارائه مفهوم واحد با روش‌های گوناگون» است. این سبک تربیتی، نوعی تربیت لایه‌ای به شمار می‌رود که در مواقع مختلف بنا بر شرایط مخاطب از گونه‌ای خاص استفاده می‌شود. در بسیاری از آیات، خدای متعال مفاهیم قرآن را بر مبنای مخاطبان ایراد می‌نماید؛ گاهی مخاطب شخص پیامبر ﷺ است که از روشی مؤدبانه استفاده نموده، گاهی مخاطب مؤمنین هستند با تشویق آن‌ها می‌پردازد، گاهی منافقین و یهود مخاطب می‌شوند که از روش‌های تمثیل و انذار استفاده شده است و امثال اینها. نتیجه آنکه تربیت با سبک تصریف (بر مبنای تغییر مخاطب) الگوی ویژه برای القای مفهوم است که می‌تواند مورد استفاده همگان قرار گیرد، این سبک در فهم بهتر معنا نزد مخاطبان تأثیر شایانی دارد. از دیگر نتایج این پژوهش می‌توان به بسترسازی جهت طراحی یک روش تربیتی اشاره نمود که به مطالعه این سبک در قرآن کریم می‌پردازد.

کلید واژه‌ها: قرآن، تربیت، تصریف، مخاطب، تغییر مخاطب، روش تربیتی.

- دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه میبد، میبد، ایران؛ Mojtabaansari6767@gmail.com
- دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه میبد، میبد، ایران (نویسنده مسئول)؛ zarezardini@meybod.ac.ir
- استاد گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه میبد، میبد، ایران؛ almirjalili@meybod.ac.ir

## مقدمه

قرآن کریم به وسیله پیامبر اکرم ﷺ از جانب حق تعالی در اختیار آدمی قرار گرفته است، چیزی جز حق در این کتاب الهی نازل نشده و حاوی بشارت و انذار است (الإسراء، ۱۰۵)، بنابراین بهره‌گیری از آن برای آدمی جز هدایت و پند نخواهد بود (آل عمران، ۱۳۸). این کتاب حق همان‌گونه که بدون کم و کاستی از جانب حق تعالی نازل شده، تا ابدیت نیز بدون تحریف خواهد ماند و دست‌خوش هیچ تغییری نخواهد شد (الحجر، ۹). خدای سبحان در این کتاب، هر چیزی را که برای هدایت آدمی نیاز بوده آورده است (النحل، ۸۹)؛ چراکه غایت نهایی قرآن از آیه اول تا آیه آخرش در طول ۲۳ سال نزول چیزی جز هدایت و تربیت انسان نبوده است. به همین سبب، خدای متعال از روش‌های مختلف و متنوعی جهت تربیت و هدایت آدمی در بیان مفاهیم استفاده نموده است. در روزگار جدید دانشمندان و محققان قرآنی به این مهم پرداخته‌اند تا نکات جدیدتری از این کلام حق پیدا نمایند.

## ۱- بیان مسئله

تربیت از مهم‌ترین موضوعات بشر در همه ادیان و مذاهب به‌شمار می‌رود که توجه دانشمندان زیادی را به خود جلب نموده است. به سبب اهمیت این مسئله مطالعات بی‌شماری در چیستی، مفهوم، ابعاد و روش تربیت انجام شده و هم‌اکنون در حال انجام است. مطابق دیدگاه اسلام، فلسفه وجودی انسان، نیل به سعادت و کمال است؛ رسالت دین مقدس اسلام نیز تعلیم و تربیت است (نک: البقره، ۱۲۹ و ۱۵۱؛ آل عمران، ۱۶۴؛ الجمععه، ۲) و نیل آدمی به کمال مراد این دین الهی، با نظام تربیتی آن پیوند وثیقی دارد. از سوی دیگر، یکی از خصوصیات ضروری برای هر مربی شناخت مخاطب است. رعایت این ویژگی سبب می‌شود که از همان لحظه‌های ابتدایی نوشتار یا گفتار، مخاطبان جذب مفاهیم و معانی شده و تا پایان ارتباطی مؤثر و تمام‌عیار با گوینده و فرستنده پیام برقرار نمایند و

در خود نوعی شفافیت نسبت به خواسته‌هایشان احساس نموده و هر بحثی را پاسخی به سؤال‌های خود دانسته و فرستنده پیام را دارای دیدگاهی شایسته، ذوقی نو و با خبر از نیازهای روز و صاحب‌نظر در مسائل فکری امروز و فردای جامعه ببینند. روش‌های معنورزی خداوند متعال در قرآن یکی از مهم‌ترین حوزه‌های پژوهش در اسلام به‌شمار می‌آید و یکی از این روش‌ها تصریف است. از این‌رو، پژوهش حاضر به مطالعه سبک بیانی تصریف در قرآن و کاربرست آن در سبک تربیتی با تاکید بر روش تغییرمخاطب می‌پردازد؛ ابتدا به تشریح سبک بیانی تصریف که به معنای گوناگون بیان کردن یک معنا، پرداخته می‌شود. در ادامه به تحلیل جایگاه شناخت مخاطب در فرایند تربیت اشاره خواهد شد و در بخش‌هایی پژوهش به مصادیق و کاربرست تصیف در سبک تربیتی به روش متغییر مخاطب پرداخته می‌شود. خدای متعال در بسیاری از آیات یک معنا را براساس نوع مخاطب خود بیان فرموده است. به عبارت دیگر، خدای متعال به عنوان یک متکلم معنایی را در نظر می‌گیرد و آن را در یک فرایند مخاطبه به عرصه بیان می‌آورد و مخاطب در یک فرایند فهمی آن معنا را دریافت می‌کند.

## ۲- روش پژوهش

روش این پژوهش، توصیفی-تحلیلی است. در روش توصیفی، مسئله مورد نظر از طریق بر شمردن ابعاد و حدود آن مسئله- به همان شکلی که در منابع وجود دارد و بدون هرگونه اظهار نظری- معرفی می‌شود (نک: نادری و سیف نراقی، ۷۲؛ نکونام، ۶). در روش تحلیلی نیز، با بررسی زوایای گزاره‌های توصیفی ذکر شده، روش‌های مختلف تربیت استخراج و تحلیل شده است. این تحقیق، از نوع تحقیق کتابخانه‌ای یا مطالعه‌ای (دهنوی، ۲۳) است و عمده منابع مورد استفاده در آن، متن قرآن است. از پژوهش‌های مربوط به تعلیم و تربیت نیز- تا حدّ دلالت بر این نوع از تربیت- گزاره‌هایی نقل شده است.

### ۳- پیشینه

در ارتباط با تصریف هم نوشته‌های مختلفی دیده می‌شود؛ از جمله؛ از نگاه برخی تصریف قرآن کریم چرخش موضوعات در درون یک سوره است (نک: رجب، ۲۱-۹۰). اخلاصی در پایان‌نامه کارشناسی ارشد به صورت اجمالی به تعریف تصریف و ذکر چند مورد از آن رد سوره مبارکه یونس پرداخته است (نک: اخلاصی، ۷۱-۹۳). مقاله دیگری به صورت کلی به بیان تصریف متن و بیان مثال اشاره نموده است (نک: زارع زردینی و همکاران، ۹-۱۱). انصاری مقدم در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود به تحلیل تصریف در کل قرآن می‌پردازد (نک: انصاری مقدم، ۱۲-۱۰۴). در حالی که پژوهش حاضر این مسئله را از نگاهی دیگر بررسی نموده است؛ این پژوهش برای مرتبه نخست به تحلیل سبک تصریف بر مبنای تغییر مخاطب به عنوان سبکی نوین در تربیت می‌پردازد که تاکنون چنین پژوهشی انجام نگرفته است.

در ارتباط با مخاطب هم پژوهش‌های مختلفی صورت گرفته است، از جمله: کتاب «تغییر مخاطب در قرآن با تکیه بر راهکارهای ترجمه» (نک: شاهسوندی و خانه‌زاد). در این کتاب به مبحث نقش مخاطب در ترجمه پرداخته شده است؛ مقالاتی نیز با کلیدواژه مخاطب‌شناسی نگاشته شده‌اند مانند مقاله «اصول مخاطب‌شناسی از دیدگاه امام علی علیه السلام» (نوشته منیره فرضی شوب، مجله سراج منیر، ش ۱۶، ۱۳۹۳) که به مباحث ارتباطی در پیام اشاره دارد و به مسائل تربیت نگاهی نمی‌کند، و بسیاری از پژوهش‌های دیگر که محتوای پژوهش حاضر را پوشش نمی‌دهند. به عبارت دیگر، سبک تصریف و تغییر مخاطب در قرآن تاکنون مورد توجه پژوهشگران قرار نگرفته است.

در ارتباط با سبک‌های تربیت، نوشته‌های متعددی تاکنون نوشته شده است از جمله: «تهدیدات فراروی تربیت اسلامی در عصر حاضر» از مجتبی انصاری مقدم (نک: فصلنامه مطالعات و تحقیقات در علوم رفتاری، ۱۳۹۹، ش ۵، صص ۱۰۲-۱۱۰)، «نقد و بررسی فنون تربیت کودک» از خسرو باقری (نک: ماهنامه تربیت، ۱۳۶۵، ش ۷، صص ۳۶-۳۷)،

«تربیت غیر مستقیم» از مجید رشیدپور (نک: ماهنامه پیوند، ۱۳۶۹، ش ۱۳۵، صص ۱۲-۱۵)، «ملاحظات در تربیت دینی» از عبدالعظیم کریمی (نک: ماهنامه تربیت، ۱۳۷۵، ش ۱۰۷، صص ۴۹-۵۵)، «سیره تربیتی انبیاء در قرآن» از مریم شکریان (نک: فصلنامه قرآنی کوثر، ۱۳۸۷، ش ۲۷، صص ۳۳-۴۹) و «روش‌های تربیت دینی» از عبدالرحیم موگهی (نک: ماهنامه مبلغان، ۱۳۸۰، ش ۱۸، صص ۴۳-۴۹).

پژوهش‌های فوق صرف توصیف و آنهم توصیفی بسیار مختصر از مقوله روش‌های تربیت است. پژوهشی که موضوع این مقاله سبک تربیت مبتنی بر تصریف در قرآن کریم با تکیه بر روش تغییر مخاطب را الگویی برای روش تربیت معرفی و تعریف نماید، تاکنون نگاشته نشده است. مقاله حاضر سبک تصریف قرآن کریم بر مبنای تغییر مخاطب را به عنوان یک سبک تربیتی معرفی می‌نماید.

## ۴- مفاهیم

در ادامه به مفهوم‌شناسی دو واژه اصلی پژوهش یعنی «تربیت» و «تصریف» خواهیم پرداخت:

### ۴-۱. مفهوم تصریف

واژه «تصریف» از ماده صرف است. در تعریف لغوی «صرف» گفته‌اند: «صرف یعنی چیزی را از یک وضعیت به وضعیت دیگر جایگزین کردن یا آن را با حالت دیگری جایگزین کردن است» (راغب اصفهانی، ۴۸۲). هر دو تعریف لغوی با جستار حاضر سازگار است. در تعریف اصطلاح تصریف گفته‌اند: «تصریف، این است که مثال‌ها را به انواع مختلف، بیان کنند تا مردم درباره آن‌ها بیندیشند» (طبرسی، ۸/۱۵). برخی هم گفته‌اند: «تصریف، بیانات مختلفی است که قرآن از یک واقعیت دارد، مثلاً مسئله وعید و مجازات مجرمان را، گاهی در لباس بیان سرگذشت امت‌های پیشین و گاهی به صورت خطاب به حاضران و گاهی در شکل ترسیم حال آن‌ها در صحنه قیامت و گاه به لباس‌های دیگر بیان می‌کند» (مکارم شیرازی، ۳۱۱/۱۳). علامه طباطبایی می‌نویسد: «تصریف به

معنای برگرداندن و دوباره آوردن و با بیان‌های مختلف و اسلوب‌های گوناگون ایراد کردن است» (طباطبایی، ۲۸/۱۳). بدین رو، در پژوهش حاضر به انواع گفتمان‌سازی یا معنیردازی با بیان‌های گوناگون پرداخته خواهد شد.

در میان پژوهش‌های انجام شده می‌توان مشاهده نمود که برخی از کارهای نزدیک به بحث تصریف در بیانات قرآن انجام شده است، به عنوان نمونه می‌توان به دانش تکرار در قرآن کریم اشاره نمود. «تکرار» در مفهوم لغوی به عنوان یکی از مصادر «کَرَر» آمده است؛ این منظور این چنین تعریف می‌کند: «كَرَّرَ الشَّيْءَ وَ كَرَّرَهُ: أَعَادَهُ مَرَّةً بَعْدَ أُخْرَى» (ابن منظور، ۱۳۵/۵)؛ آن چیز را بار دیگر انجام داد. ابن منظور تکرار را به معنای بازآوردن دوباره یک چیز می‌داند. شبیه همین معنا در سایر کتب لغوی هم ذکر شده است: «كَرَّرَ يُكَرِّرُ تَكَرُّرًا وَ تَكَرَّرَ: أَعَادَهُ مَرَّةً بَعْدَ أُخْرَى أَوْ مَرَارًا» (معلوف، ۶۷۸)؛ آن چیز را بار دیگر انجام داد و یا این که چند بار انجام داد. نتیجه آنکه واژه «تکرار» در لغت بر رجوع دلالت دارد. قرآن کریم بسیاری از الفاظ، عبارات و مفاهیم را در جاهای مختلف چند مرتبه بازگو کرده است. برخی پژوهشگران این چند مرتبه بیان شدن را «تکرار» می‌نامند (زرکشی، ۹۸/۳-۱۱۰؛ سیوطی، ۱۱۱/۲؛ زمخشری، ۳۰۲/۲).

زرکشی در کتاب البرهان خود می‌نویسد: «چه بسا به تعظیم و بزرگداشت شأن و تذکر بیشتر، آیه‌ای دوبار نازل می‌شد، البته هنگامی که برای مرتبه دیگر موجبات آن پدید می‌آمد تا مبدا فراموش شود» (زرکشی، ۷۵). بیان شد که در نسبت تکرار با تصریف برخی تکرار را با تصریف یکی دانسته‌اند اما برخی دیگر با ذکر دلائل معنایی آن را متفاوت می‌دانند (نک: اهوراکی، ۲۴-۲۹) و می‌گویند: تصریف به دلالات مختلف اشاره دارد (رمانی، خطابی و جرجانی، ۱۰۱). در قرآن به صراحت اصطلاح تصریف قول بکار رفته است (الأُنعام، ۴۶ و ۱۰۵؛ طه، ۱۱۳؛ الإسراء، ۴۱ و ۸۹؛ الکهف، ۵۴). نقراط از قرآن‌پژوهان معاصر، استعمال واژه تکرار توسط برخی مصنفان را مورد انتقاد قرار داده و می‌نویسد: بسیاری واژه تکرار را برای تصریفات قرآنی به کار برده‌اند، در حالی که قرآن به این

اصطلاح تصریحی نکرده است. برعکس، قرآن به صراحت اصطلاح «تصریف قول» را به کار برده است (نک: آیات ۴۶ و ۶۵ سوره الانعام یا آیه ۴۱ سوره الاسراء ...). مفسران و علمای بلاغت پیشین، اصلاح تصریف را احیا نکرده‌اند، در حالی که این واژه دلالتش بهتر است و قرآن را از طعن‌ها بیشتر منزّه می‌کند. با استعمال واژه تکرار خودمان آنچه را که در قرآن نیست به آن نسبت می‌دهیم (نک: تقراط، ۱۱/۱ به نقل از اهوراکی، ۲۹).

«تکرار» و «تصریف» در عین اشتراک و افتراق هر یک جایگاه خودش را دارد. «تصریف» ناظر به بیان یک معنا در قالب‌های گوناگون است، یعنی شاید موردی را که عین لفظ بازگو شود در برنگیرد. در حالی که «تکرار» اینگونه نیست و وقتی لفظی بازگو شود آن را «تکرار» می‌نامیم. برخی از محققان مصادیق تصریف و تکرار در قرآن را یکی می‌دانند، چراکه به نسبت میان تصریف و تکرار توجه نکرده‌اند. البته برخی پژوهشگران این دو سبک را از هم متمایز دانسته‌اند (نک: خرقانی، ۷۵-۹۹؛ حری، ۱۰۱-۱۱۶). بنابراین «تصریف در بیان» و «تکرار در بیان» یک مفهوم نیستند بلکه از حیث کارکرد از هم متمایزند. در قرآن کریم تنها با تکرار الفاظ و معانی سر و کار نداریم، بلکه با یک سبک تصریفی روبرو هستیم. به دیگر سخن، بیان معنای یکسان به طرق مختلف که در گفتمان قرآنی به ظاهر، تکراری یا مسبوق به سابقه به حساب می‌آید.

علاوه بر مبحث تکرار، می‌توان به مبحث آیات مشابه در قرآن کریم اشاره نمود. گاه دو جمله در قرآن با اندکی اختلاف، مشابه یکدیگر می‌آیند که این اختلاف علل مختلفی از جمله سیاق یا هر دلیل دیگری دارد. تعدادی از آیات قرآن هستند که با وجود آنکه معنا و همچنین ظاهر و صورتی مشابه به ذهن متبادر می‌سازند، اما با دقت در آنها می‌توان به وجود افتراق آنها پی برد که به این آیات، آیات مشابه گفته می‌شود (نجفی ایوکی و زرکار، ۱۳۶). مصطفوی در کتاب التحقیق تفاوت «شبهه» و «مثل» را اینگونه می‌نویسد: «شبهه هم شکل بودن دو چیز در صورت و ظاهر است و این برخلاف مثل است؛ زیرا مثل تجانس و تناسب در ماده و ذرات است» (مصطفوی، ۱۱/۶). زرکشی می‌گوید: شباهت لفظی آیات،

ذکر یک قصه و داستان با عبارت‌های گوناگون و با فاصله مختلف در قرآن کریم است (زرکشی، ۱/۱۲۲). برخی دیگر گفته‌اند: این واژه زمانی به کار می‌رود که چیزی شبیه چیز دیگر باشد تا آنجا که گاه در تشخیص آن دو مانعی ایجاد کند (فیروزآبادی، ۱۶۱). کرمانی در تعریف آیات مشابه می‌نویسد: آیاتی که در قرآن تکرار شده و الفاظ آن متفق است. لیکن اختلافاتی چون زیادت و نقصان، تقدیم و تأخیر، تبدیل حرفی به حرف دیگر و... در آن وجود دارد (کرمانی، ۱۹). کوتاه سخن آنکه آیات مشابه ناظر به بررسی این پدیده در قرآن در سطح ظاهر سخن یا الفاظ قرآن است، اما تصریف به بررسی همین پدیده در قرآن بر پایه مطالعات معنایی می‌پردازد و از الفاظ برای رسیدن به آن معنا استفاده می‌کند.

در میان مطالعات معناشناسی می‌توان مبحث «آیات نظیر» را هم به تصریف نزدیک دانست که از مباحث مهم علوم قرآن با عنوان مبحث «نظائر» است. لفظ نظیر و جمع آن نظائر به معنای مانند و مثل است. از نظر فراهیدی از آن جهت به مثل و مانند نظیر می‌گویند که وقتی به آن دو نظر انداخته می‌شود گویی این دو در نظر یکسان هستند (فراهیدی، ۸/۱۵۶). ابن تیمیه در تعریف نظائر این چنین می‌نویسد: الفاظی که معنایشان در دو یا چند جا یکی است (ابن تیمیه، ۹۶). صاحب تفسیر التحرير و التنوير، آیات آغازین سوره قارعه: «الْقَارِعَةُ مَا الْقَارِعَةُ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْقَارِعَةُ» (القارعه، ۱-۳) را از جهت ترکیب نظیر سه آیه اول سوره حاقه «الْحَاقَّةُ مَا الْحَاقَّةُ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحَاقَّةُ» (الحاقه / ۱-۳) می‌داند (نک: ابن عاشور، ۳۰/۴۴۸-۴۴۹). بدین رو بیان شد از نظر برخی «نظائر آیات» یعنی چند لفظ یا عبارت یک معنا را داشته باشند، از منظر برخی دیگر، نظائر یعنی شباهت ظاهری دو آیه حتی در وزن لفظ یا عبارت در عین تناقض و بی‌ارتباطی دو لفظ یا عبارت! با کمی دقت می‌توان دریافت که در نظائر و تصریف در عین اشتراکات ظاهری تفاوت‌هایی وجود دارد؛ در تصریف گوناگون بیان کردن معنای واحد مدنظر است، اما در نظائر توجه به معنا یا صورت ظاهری واژه است.

## ۴-۲. مفهوم تربیت

واژه تربیت از ماده «ربو» به معنای رشد و زیادی آمده است (ابن منظور، ۳۰/۱۴). مصطفوی در تعریفی بیان داشته است: «اصل واحد در ماده تربیت، رشد همراه با زیادی است به معنای این که شیء در ذات خودش رشد می کند، سپس زیادی و اضافه حاصل می گردد» (مصطفوی، ۲۰/۴). صاحبان اندیشه و پژوهشگران به علت اختلاف در اصول و اهداف برای تربیت تعاریف اصطلاحی متعددی را از این واژه ارائه نموده اند. برخی گفته اند دلیل این اختلافات آن است که هر کس از تربیت آن گونه که مایل به فهم آن است دفاع می کند و تعریفش از تربیت مسبوق به چنین تمایلی است (بهشتی، ۳۳). برخی در تعریف اصطلاحی تربیت نوشته اند: «تربیت عبارت از هر عمل یا فعالیتی است که دارای اثر سازنده بر روی جسم، روح، شخصیت و یا شایستگی مادی و معنوی فرد باشد» (نیکزاد، ۱۱). بهشتی در پژوهش «تربیت از دیدگاه قرآن» می نویسد: «تربیت به معنای برانگیختن و فراهم آوردن موجبات رشد و پرورش و شکوفایی تمامی استعدادها و توانایی ها و قابلیت های انسان به منظور رسیدن به کمال و سعادت مطلوب می باشد» (بهشتی، ۳۵). شهید مرتضی مطهری (ره) در تعریف تربیت گفته است: «تربیت پرورش دادن و به فعلیت رساندن استعدادها و ایجاد تعادل و هماهنگی میان آنها می باشد تا از این طریق، متربی به حد بالای کمال شایسته خود برسد» (مطهری، ۹۰). تعریف اخیر مطابق هدف این پژوهش است.

## ۵- اقسام اسلوب تصریف از منظر قرآن کریم

قرآن کریم در ده آیه و هفت سوره مختلف به صورت صریح و مستقیم به مبحث تصریف به عنوان یکی از مشخصه های بیانی خود اشاره نموده است (الإسراء، ۴۱ و ۸۹؛ الکهف، ۵۴؛ طه، ۱۱۳؛ الأحقاف، ۲۷؛ الفرقان، ۵۰؛ الأنعام، ۴۶، ۶۵ و ۱۰۵؛ الأعراف، ۵۸). از باب نمونه می توان به آیه ۱۱۳ سوره مبارکه طه اشاره نمود: «وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَا قُرْآنًا عَرَبِيًّا وَ صَرَّفْنَا فِيهِ مِنَ الْوَعِيدِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ أَوْ يُحْدِثُ لَهُمْ ذِكْرًا» (طه، ۱۱۳)؛ این آیه یکی از آیات

ده‌گانه تصریف است که به تصریف در «آیات قرآن کریم» اشاره دارد. خدای متعال قرآن را به زبان عربی نازل کرد و در آن هشدارها را به بیانات مختلف تصریف نمود تا شاید برخی افراد که کفر می‌ورزند، ایمان بیاورند و تقوا گزینند و از کفر اجتناب نمایند.

خدای متعال در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «وَلَقَدْ صَرَّفْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ فَأَبَى أَكْثَرُ النَّاسِ إِلَّا كُفُورًا» (الإسراء، ۸۹). آیه اخیر یکی دیگر از آیاتی است که به تصریف در «آیات قرآن کریم» اشاره دارد. در این آیه آمده: «فِي هَذَا الْقُرْآنِ» این عبارت به نوع تصریف اشاره دارد که منظور از تصریف در این آیه همان تصریف در آیات قرآن کریم است. در این آیه بیان می‌شود که آیات با اسلوب‌های گوناگون (مثل) ایراد شدند تا افراد بفهمند و کافر نشوند. «مثل» به معنای توصیف مقصود است به چیزی که آن را مجسم و ممثل کند و ذهن شنونده را به آن نزدیک گرداند، و کلمه «من» در جمله «مِنْ كُلِّ مَثَلٍ» برای ابتداء غایت است، مراد این است که ما هر مثلی را که روشنگر راه حق و راه ایمان و شکر باشد برای ایشان بیان کردیم، ولی بیشتر مردم جز راه کفران را نپیمودند. این کلام در مقام توییح و ملامت است (نک: طباطبایی، ۱۳/۲۸۰). پس از بررسی دقیق آیات مذکور و آراء مفسران می‌توان دریافت که به‌طور کلی تصریف دو قسم است:

## ۵-۱. تصریف در جهان هستی

چهار آیه از آیات ده‌گانه تصریف به این قسم از تصریف اشاره می‌کنند:

آیه اول: «وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا مَا حَوْلَكُمْ مِنَ الْقَرْيَةِ وَصَرَّفْنَا الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ»<sup>۱</sup> (الأحقاف، ۲۷)

آیه دوم: «قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَىٰ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ

يَلْبَسَكُمْ شِيعًا وَيُذِيقَ بَعْضَكُمْ بَأْسَ بَعْضٍ أَنْظُرْ كَيْفَ نَصَرَفُ الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَفْقَهُونَ»<sup>۲</sup> (الأنعام، ۶۵)

۱. «و بی‌گمان همه شهرهای پیرامون شما را هلاک کرده و آیات خود را گونه‌گون بیان داشته‌ایم امید که آنان بازگردند».

۲. «بگو او تواناست که از بالای سرتان یا از زیر پاهایتان عذابی بر شما بفرستد یا شما را گروه گروه به هم اندازد [و دچار تفرقه سازد] و عذاب بعضی از شما را به بعضی [دیگر] بچشاند بنگر چگونه آیات [خود] را گونه‌گون بیان می‌کنیم باشد که آنان بفهمند».

آیه سوم: «وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرُجُ نَبَاتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبثَ لَا يَخْرُجُ إِلَّا نَكِيدًا كَذَلِكَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَشْكُرُونَ»<sup>۱</sup> (الأعراف، ۵۸).

آیه چهارم: «وَلَقَدْ صَرَّفْنَا بَيْنَهُمْ لِيَذَّكَّرُوا فَأَبَى أَكْثَرُ النَّاسِ إِلَّا كُفُورًا»<sup>۲</sup> (الفرقان، ۵۰).

قرآن در پاره‌ای از آیات به هلاکت گروهی که به خدای متعال ایمان نیاورند و کافر شدند و گناه کردند اشاره می‌کند (أحقاف، ۲۷)، از منظر برخی مفسران هلاکت افراد نوعی تصریف آیات برای کسب ایمان آن‌ها به شمار می‌رود. یعنی ما آیات را مختلف کردیم: یا معجزه، یا وحی و یا نعمت بود تا متذکر شوند، یا عذاب‌هایی بود تا توبه کنند و از ظلم و کفر خود برگردند و به عبادت خدا بپردازند (نک: طباطبایی، ۳۲۵/۱۸؛ طبرسی، ۱۸/۲۳).

بدین‌رو با توجه به چهار آیه از آیات دهگانه تصریف، یکی از انواع تصریف، تصریف در جهان بیرون و تکوین و طبیعت است؛ منظور از تکوین و طبیعت همان نشانه‌های ظاهری خداوند متعال از جمله معجزات، نعمات، بلاها، هلاکت‌ها و امثال این‌هاست.

## ۵-۲. تصریف معنا

منظور از تصریف معنا همان گوناگونی در زبان معنا و استفاده از واژگان، جملات و متون مختلف در ارائه معنای واحد است. شش آیه از آیات دهگانه تصریف به این قسم از تصریف اشاره می‌کنند:

آیه اول: «وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَا قُرْآنًا عَرَبِيًّا وَصَرَّفْنَا فِيهِ مِنَ الْوَعِيدِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ أَوْ يُحْدِثُ لَهُمْ ذِكْرًا»<sup>۳</sup> (طه، ۱۱۳).

آیه دوم: «وَلَقَدْ صَرَّفْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ فَأَبَى أَكْثَرُ النَّاسِ إِلَّا كُفُورًا»<sup>۴</sup>

۱. «و زمین پاک [و آماده] گیاهش به اذن پروردگارش برمی‌آید و آن [زمینی] که ناپاک [و نامناسب] است [گیاهش] جز اندک و بی‌فایده بر نمی‌آید این گونه آیات [خود] را برای گروهی که شکر می‌گزارند گونه‌گون بیان می‌کنیم».

۲. «و قطعاً آن [پند] را میان آنان گوناگون ساختیم تا توجه پیدا کنند و [لی] بیشتر مردم جز ناسپاسی نخواهند».

۳. «و این گونه آن را [به صورت] قرآنی عربی نازل کردیم و در آن از انواع هشدارها سخن آوردیم شاید آنان راه تقوا در پیش گیرند یا [این کتاب] پندی تازه برای آنان بیاورد».

۴. «و به راستی در این قرآن از هرگونه مثلی گوناگون آوردیم ولی بیشتر مردم جز سرانکار ندارند».

(الإسراء، ۸۹).

آیه سوم: «وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِلنَّاسِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ وَكَانَ الْإِنْسَانُ أَكْثَرَ شَيْءٍ جَدَلًا»<sup>۱</sup> (الكهف، ۵۴).

آیه چهارم: «وَكَذَلِكَ نَصْرَفُ الْآيَاتِ وَلِيَقُولُوا دَرَسْتَ وَلِنُبَيِّنَهُ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ»<sup>۲</sup> (الأنعام، ۱۰۵).

آیه پنجم: «وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِيَذَكَّرُوا وَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا نُفُورًا»<sup>۳</sup> (الإسراء، ۴۱).

آیه ششم: «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَخَذَ اللَّهُ سَمْعَكُمْ وَأَبْصَارَكُمْ وَخَتَمَ عَلَى قُلُوبِكُمْ مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُمْ بِهِ انظُرْ كَيْفَ نَصْرَفُ الْآيَاتِ ثُمَّ هُمْ يَصْذِفُونَ»<sup>۴</sup> (الأنعام، ۴۶).

بنابه استناد آیات مذکور خدای متعال در قرآن برای ارائه مفهوم واحد از روش‌های مختلف بیانی استفاده نموده و با بیانات مختلف در پی اراده معنای واحد است؛ به عبارتی نحوه تألیف الفاظ و آیات گوناگون در ارائه و پرداخت معنا را تصریف معنا گویند.

## ۶- جایگاه شناخت مخاطب در فرایند تربیت

انسان در بیشتر اوقات روزانه‌اش موجودی اجتماعی است که نمی‌تواند بدون ایجاد ارتباط با محیط پیرامونی خود زندگی کند. انسان از حوزه فردی خودی بیرون می‌آید و وارد اجتماع می‌شود و با اطراف خود ارتباط برقرار می‌نماید و قصد برقراری این ارتباطی ارسال یا دریافت پیام است. ارتباط بین تمامی انسان‌ها سنگ‌بنای هر اجتماع انسانی به شمار می‌رود.

هر ارتباطی حداقل از سه عنصر یا مؤلفه متکلم (گوینده / فرستنده پیام)، پیام (محتوا / متن / معنا / کلام) و مخاطب (شنونده / دریافت‌کننده پیام) تشکیل شده است. متکلم (گوینده / فرستنده پیام) همان مسئول ارسال پیام است و مخاطب فردی است که پیام را به

۱. «و به راستی در این قرآن برای مردم از هرگونه مثلی آوردیم و [لی] انسان بیش از هر چیز سر جدال دارد».

۲. «و این‌گونه آیات [خود] را گوناگون بیان می‌کنیم تا مبادا بگویند تو درس خوانده‌ای و تا اینکه آن را برای گروهی که می‌دانند روشن سازیم».

۳. «و به راستی ما در این قرآن [حقایق را] گونه‌گون بیان کردیم تا پند گیرند و [لی] آنان را جز نفرت نمی‌افزاید».

۴. «بگو به نظر شما اگر خدا شنوایی شما و دیدگانتان را بگیرد و بر دلهایتان مهر نهد آیا غیر از خدا کدام معبودی است که آن را به شما باز پس دهد بنگر چگونه آیات [خود] را [گوناگون] بیان می‌کنیم سپس آنان روی برمی‌تابند».

صورت یک معنا ادراک می‌کند. هدف ایجاد ارتباط نیز انتقال پیام است؛ هر متکلم برای انتقال بهتر پیام باید تا حد توان مطابق با شرایط فهمی و نیازهای مخاطب به ارائه آن پیام پردازد، به تعبیری دیگر، مخاطبان دارای مختصاتی هستند که شناخت آن‌ها فرایند ارسال پیام را تسهیل می‌کند، چراکه پیام باید متناسب با نیازهای مخاطب ارسال گردد (نک: رفیع پور، ۵۰۴). این مسئله نزد دانشمندان زیادی مورد توجه قرار گرفته است؛ دانشمندان حوزه دانش بلاغت و دانشمندان حوزه دانش نشانه‌شناسی که بیشترین تمرکز خود را بر روی سه مؤلفه ارتباطی گوینده، پیام و مخاطب گذاشته‌اند.

تربیت، پرورش‌دانی است که از راه انتقال مفاهیم و معانی صورت می‌گیرد. «روش تربیتی، شیوه بروز عمل یا فعالیتی است که به منظور تأثیرگذاری بر متربی، از مری صادر می‌شود» (قائمی‌مقدم، ۱۲/۱). عناصر ارتباطی در تربیت هم شامل مری (متکلم)، پیام و متربی (مخاطب) می‌شود؛ یعنی یک مری، متکلم پیامی است که در فرایند تربیت به دنبال انتقال آن به متربی (مخاطب) است. پس متربی در فرایند دلالت از جایگاه مهمی برخوردار است، همان‌طور که مخاطب در عناصر سه‌گانه اهمیت دارد.

قرآن کریم هم از این مهم غافل نشده و در آیاتش به آن توجه فراوانی داشته است؛ چراکه هدف این کتاب الهی هدایت و تربیت انسان می‌باشد (آل عمران، ۱۳۸). خدای متعال با توجه به شرایط فکری، روحی، علمی، مکانی، زمانی، معیشتی و امثال این‌ها به هدایت و تربیت انسان می‌پردازد؛ این سبک تربیتی قرآن امروزه می‌تواند الگوی نوینی در تربیت برای استفاده مربیان قرار گیرد. در ادامه به مصادیق این سبک هدایتی و تربیتی در قرآن کریم خواهیم پرداخت.

بنابراین، اتکاء به یک روش بیانی، نه تنها در همه موارد منتج به نتیجه‌ای مفید فایده نمی‌گردد، بلکه گاهی عکس آن اتفاق می‌افتد و پیامدهای تخریبی جبران‌ناپذیری را برای متربی به دنبال می‌آورد.

## ۷- مصادیق سبک تربیت مبتنی بر تصریف مفاهیم در قرآن کریم بر مبنای تغییر مخاطب

در فرایند تربیت، یکی از مؤلفه‌ها متربی است که مربی باید با توجه به شرایط مخاطب سخن گوید تا در فرایند انتقال و فهم پیام خللی وارد نشود. با دقت در منابع اسلامی به خصوص قرآن که ذیل عناوین آتی مورد استناد قرار می‌گیرد، یک الگوی روشی برای تربیت قابل استخراج است که می‌توان آن را «تصریف بر مبنای تغییر مخاطب» نام نهاد. بیان گردید که تصریف به معنای بیان یک معنای یکسان به شیوه‌های گوناگون است (طباطبایی، ۲۸/۱۳). از مهمترین دلایل استفاده خداوند متعال از این شیوه بیانی (یعنی تصریف در قرآن کریم) همگانی بودن قرآن یا تعدد و تفاوت مخاطبان قرآن است. وقتی مخاطبان یک مفهوم متفاوت باشند، نمی‌توان از یک سبک استفاده نمود بلکه باید از روش‌های مختلف در تبیین بهتر مفهوم استفاده کرد؛ قرآن هم این را یادآوری کرده است (الانعام/۱۰۵).

آموزه و گزاره‌های قرآنی در باره روش تربیت مذکور در بی می‌آید:

### ۷-۱. مفهوم زنده بودن شهدا

یکی از مفاهیم مهم قرآن، مفهوم زنده بودن شهدا است که خدای متعال در دو آیه از قرآن کریم آن را تصریف نموده است. خدای متعال در آیه‌ای می‌فرماید: «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قَتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزُقُونَ» (آل عمران، ۱۶۹) خدای متعال در اینجا می‌فرماید: کسانی که در راه خدا کشته شده‌اند مرده نیستند بلکه زنده‌اند و نزد خداوند روزی می‌خورند. در آیه‌ای دیگر آمده است: «وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ» (البقره، ۱۵۴) در اینجا هم مانند آیه پیشین به مفهوم زنده بودن کسانی که در راه خدا کشته شده‌اند اشاره دارد. در تحلیل علت تفاوت این دو آیه می‌توان به تغییر مخاطب در دو آیه پرداخت؛ در آیه نخست، روی سخن متوجه حضرت پیامبر ﷺ

است (طباطبایی، ۹۴/۴؛ مکارم شیرازی، ۱۷۰/۳) و به همین خاطر از لفظ احترامی «لَا تَحْسَبَنَّ» به معنای میندار استفاده شده است. اما در ابتدای آیه دوم از لفظ «لَا تَقُولُوا» استفاده شده است که نشان می‌دهد روی سخن و مخاطب عموم مؤمنینی هستند که در عصر نزول یا بعد آن به این مسئله شک پیدا می‌کنند. خدای متعال در خطاب عموم از لفظ «قل» به معنای «بگو» استفاده نموده است و در خطاب به پیامبرش نهایت احترام را در لفظ «تحسبن» به معنای پنداشتن داشته است. بنابراین، خدای متعال در این روش بیانی با توجه به مخاطب معنای پیام را می‌کند که در فرایند تربیت، روشی نوین در انتقال بهتر پیام است.

## ۷-۲. مفهوم صبر و نماز

مفهوم مرکب صبر و نماز یکی دیگر از مفاهیمی است که خدای متعال در دو جای مختلف سوره مبارکه بقره به تصریف آن می‌پردازد، خدای متعال در آیه‌ای می‌فرماید: «وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ» (البقره / ۴۵) خدای سبحان می‌فرماید استعانت به صبر و نماز برای افرادی از شماست که فروتن باشند «الْخَاشِعِينَ»، این شیوه بیان دال بر تنوع فکری مخاطبان این آیه است و همچنین می‌تواند اشاره‌ای به تنبلی و ضعف ایمان مخاطبان اولیه این آیه باشد. از سیاق آیات قبل می‌توان استدلال کرد که این آیه خطاب به اهل یهود است؛ در آیات بعد هم روی سخن متوجه بنی اسرائیل است. ولی در آیه دیگری می‌خوانیم: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (البقره، ۱۵۳) این آیه همانند آیه پیشین توصیه به صبر و نماز دارد، در ذیل این آیه بشارت به صبر داده شده است «إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» که یکی از مهمترین توصیه‌های خداوند در قرآن به مؤمنان است و در آیات مختلف مشاهده می‌شود، همچنین ابتدای آیه اخیر روی سخن متوجه مؤمنان است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا». خدای متعال با دو صورت مختلف به معناورزی مفهوم صبر و نماز برای دو گروه مختلف عصر نزول می‌پردازد که این سبک بیانی می‌تواند برای بسیاری از مریبان و استادان تربیتی الگویی در ارائه مفاهیم قرار گیرد.

### ۷-۳. مفهوم ایمان به خدا

مفهوم ایمان یکی از مفاهیم مهم اعتقادی مسلمانان است که در قرآن کریم به اشکال متنوع مطرح شده است. خدای متعال در یک آیه می‌فرماید: «قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا» (البقره، ۱۳۶) حرف «إلی» در ذیل این آیه که از حروف غایت است بر اینکه قرآن از هر سو بر مسلمانان روی آورده دلالت دارد؛ در بیشتر مواردی که به نزول قرآن بر امت سخن به میان آمده از واژه «إلی» استفاده شده است. همچنین با توجه به جمع بودن لفظ «قُولُوا» مخاطبان اولیه آیه عموم مسلمانان عصر نزول می‌باشند. در آیه‌ای دیگر می‌خوانیم: «قُلْ آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ عَلَيْنَا» (آل عمران، ۸۴) حرف «علی» در ذیل آیه که از حروف استعلاء است بر اینکه امری فقط از جهت بالا به پایین آمده دلالت دارد. در بیشتر مواردی که به نزول قرآن بر پیامبر ﷺ سخن به میان آمده از واژه «علی» استفاده شده است. از طرفی لفظ «قل» در ابتدای این آیه هم خطاب به شخص مفرد یعنی همان حضرت رسول ﷺ است. قرآن کریم مفهوم ایمان را در دو جای مختلف با سبک تغییر مخاطب تصریف نموده است که در آیه نخست خطاب اولیه آیه متوجه عموم مسلمانان و در آیه دوم خطاب متوجه حضرت پیامبر ﷺ است، در حالی که مفهوم آیه و ساختار آیه یکی است.

### ۷-۴. مفهوم رزق و عدم قتل فرزندان

در عصر جاهلیت برخی از مردم به علل مختلف فرزندان خود را زنده به گور می‌کردند که یکی از علل کشتن فرزندان به تعبیر قرآن ترس از کمبود رزق بوده است: «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِمَّنْ إِمْلَاقٍ نَّحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ» (الأنعام، ۱۵۱). خدای متعال در این آیه می‌فرماید: فرزندان خود را از بیم تنگدستی مکشید، ما شما و آنان را روزی می‌رسانیم. در ذیل آیه تأکید شده اول شما را روزی می‌دهیم که دال بر مستمند بودن مخاطبان اولیه این آیه است. مطابق با سیاق آیات قبل و بعد، روی سخن با فقرای مستمند است. در جایی دیگر می‌خوانیم: «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ نَّحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ» (الإسراء، ۳۱) این آیه می‌فرماید از ترس تنگدستی فرزندان خود را مکشید که به آن‌ها و شما روزی خواهیم

دارد؛ در اینجا از لفظ «حَشِيَّةً» به جای لفظ «مِنْ» استفاده شده است، همچنین ضمیر «هم» که به فرزندان برمی‌گردد بر ضمیر «کم» به معنای شما مقدم شده است! که دلالت بر دارا بودن افراد مخاطب دارد. پس خطاب در آیه اخیر به افراد غیرمستمند و داراست ولی در آیه نخست، خطاب و روی سخن متوجه افراد مستمند است.

### ۷-۵. مفهوم روزی دادن

هرگونه بهره‌ای را که خدای متعال نصیب بندگان می‌نماید، اعم از مادی و معنوی مانند مواد غذایی، مسکن، پوشاک، علم، آگاهی، فهم، ایمان و اخلاص، به همه این‌ها «رزق» گفته می‌شود و آنها که مفهوم این کلمه را محدود به جنبه‌های مادی می‌کنند، توجه دقیق به موارد استعمال آن ندارند. مفهوم رزق در قرآن کریم به شکل‌های مختلف بیان و تصریف شده است تا بندگان متوجه این مهم در زندگی خود شوند. خدای متعال در آیه‌ای می‌فرماید: «وَأَرْزُقُوهُمْ فِيهَا» (النساء، ۵) گفته می‌شود اموال خود را که خداوند آن را وسیله قوام [زندگی] شما قرار داده به سفیهان مدهید و [لی] از [عواید] آن به ایشان بخورائید و آنان را پوشاک دهید و با آنان سخنی پسندیده بگویید. «فی» در ذیل آیه به روزی دادن از فواید و درآمد مال دلالت دارد. طبق سیاق آیه روی سخن و خطاب آیه متوجه والیان فرد نابالغ یا سفیه است. در جایی دیگر می‌خوانیم: «فَارْزُقُوهُمْ مِنْهُ» (النساء، ۸). «من» به روزی دادن از بخشی از مال دلالت دارد. مطابق با سیاق، مخاطب آیه اخیر وارثانی هستند که در زمان تقسیم ارث، نیازمندی نزد آنان آمده و از آنان درخواست کمک می‌کند. به عقیده اکثر مفسران، مقصود این است که: اگرچه این‌ها ارث نمی‌برند، ولی ورثه باید چیزی به آنها بدهند و آنها را محروم نسازند (طبرسی، ۵ / ۳۶). در آیه نخست، روی سخن متوجه اولیای فرد نابالغ و در آیه دوم روی سخن متوجه وارثانی است که نیازمندی نزد آنان آمده است و درخواست کمک دارد. دو جمله مختلف در دو صورت مختلف اما در مفهومی یکسان با مخاطب متفاوت ایراد شده است.

## ۶-۷. مفهوم آگاهی خداوند

قرآن کریم در موارد متعدد با سبک‌های و اشکال مختلف به ذکر علم و آگاهی خداوند پرداخته است. خدای متعال در آیه‌ای می‌فرماید: «وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ» (هود، ۱۲۳) خدا از آنچه می‌کنید غافل نیست، این آیه اشاره دارد به اینکه خداوند به اعمال ظاهری و غیرظاهری بندگان آگاه است. در سیاق آیه متوجه می‌شویم که روی سخن متوجه حضرت رسول ﷺ است. البته نه از باب اینکه آن حضرت از این مسئله آگاه نیست، بلکه از حیث یادآوری سایر بندگان به تصریف این مفهوم پرداخته شده است. از طرفی هم لفظ «ربک» در آیه متوجه شخص است نه جمع. در آیه‌ای دیگر می‌خوانیم: «وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ» (البقره، ۷۴) همان مفهوم پیشین در آیه اخیر تصریف گشته است اما از سیاق آیه مشخص می‌شود روی سخن در این آیه متوجه بنی اسرائیل است؛ و تهدیدی سربسته برای این جمعیت (بنی اسرائیل) و تمام کسانی است که خط آن‌ها را ادامه می‌دهند. (مکارم شیرازی، ۱/ ۳۰۶). در مجموع مفهوم آگاهی خداوند به یک شکل اما با دو مخاطب تصریف شد که این سبک بیانی می‌تواند الگویی برای آموزش و تربیت افراد باشد.

## ۷-۷. مفهوم اتمام نعمت

نعمت چیزهایی است که انسان در ابعاد مادی و معنوی زندگی به آن‌ها نیازمند است و اگر در دسترس انسان نباشد دچار کمبود و مشکل خواهد شد. اتمام نعمت یکی از مفاهیمی است که خدای متعال در جاهای مختلف قرآن به تصریف آن پرداخته است. در آیه‌ای می‌خوانیم: «يٰۤاَيُّهَا النَّاسُ ارْجِعُوْا اِلٰى رَبِّكُمْ فَاتَّبِعُوْا اَمْرَهُ لَعَلَّكُمْ تَرْجِعُوْنَ» (البقره، ۲۱۶) یا بر شما تمام می‌گرداند. امید است که شما [به فرمانش] گردن نهید. با نگاهی به سیاق آیه و استفاده از واژگانی مانند تسلیم شدن در ذیل آیه می‌توان دریافت که روی سخن و مخاطب در اینجا متوجه کفار است که خدای متعال از آن‌ها تسلیم شدن در مقابل این همه نعمت را می‌خواهد. در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «وَلِيْسَتُمْ بِمُعْتَدِلِيْنَ» (البقره، ۱۷۷) یا بر شما تمام می‌گرداند. امید است که شما [به فرمانش] گردن نهید. با نگاهی به سیاق آیه و استفاده از واژگانی مانند تسلیم شدن در ذیل آیه می‌توان دریافت که روی سخن و مخاطب در اینجا متوجه کفار است که خدای متعال از آن‌ها تسلیم شدن در مقابل این همه نعمت را می‌خواهد. در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «وَلِيْسَتُمْ بِمُعْتَدِلِيْنَ» (البقره، ۱۷۷) یا بر شما تمام می‌گرداند. امید است که شما [به فرمانش] گردن نهید. با نگاهی به سیاق آیه و استفاده از واژگانی مانند تسلیم شدن در ذیل آیه می‌توان دریافت که روی سخن و مخاطب در اینجا متوجه کفار است که خدای متعال از آن‌ها تسلیم شدن در مقابل این همه نعمت را می‌خواهد.

(المائده، ۶) آیه بیان می‌کند که خداوند نعمتش را بر شما تمام گرداند، باشد که سپاس [او] بدارید. از ابتدای آیه که با «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» شروع می‌شود می‌توان فهمید که خطاب و روی سخن متوجه مؤمنین است و در ذیل آیه از باب یادآوری به مسئله شکرگزاری به عنوان یکی از ویژگی‌های مؤمنان در مقابل این نعمات پرداخته شده است. همان طور که در آیات بیان شد مفهوم اتمام نعمت با سبک تغییر مخاطب تصریف شده و در خطاب به مؤمنین به مسئله شکرگزاری و در قبال کافرین به مسئله تسلیم شدن اشاره گردید.

## ۷-۸. مفهوم رؤیت اعمال انسان

یکی از مفاهیم مهم مربوط به روز رستاخیز، مفهوم رؤیت اعمال انسان است که در آیات مختلفی ذکر شده است. از آیات استفاده می‌شود که در رستاخیز اعمال انسان زنده می‌شود و نکته جهت آگاهی بندگان در آیات مختلف تصریف شده است. خدای متعال می‌فرماید: «... قُلْ لَا تَعْتَذِرُوا لَنْ نُؤْمِنَ لَكُمْ قَدْ نَبَّأْنَا اللَّهُ مِنْ آخْبَارِكُمْ وَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (التوبه، ۹۴) ای محمد! بگو عذر نیاورید که در این گفتارتان شما را تصدیق نخواهیم کرد. چون که خداوند از حال و اخبار شما و حقیقت کارتان ما را با خبر ساخته و دروغ شما را می‌دانیم (طبرسی، ۱۱/۱۸۸). در آیات پیشین و پسین این آیه خطاب به حضرت رسول ﷺ است (طباطبایی، ۹/۴۹۱؛ مکارم شیرازی، ۸/۸۹). در آیه دیگری می‌خوانیم: «فَيَسِيرَىٰ اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَسَتُرَدُّونَ إِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (التوبه، ۱۰۵) در آیه اول با توجه به خطاب، لفظ «المؤمنون» حذف شده اما در آیه دوم به ذکر «المؤمنون» پرداخته است و بدان معناست مؤمنان یکی از شاهدان اعمال گروه مورد خطاب هستند. پس گروه مورد خطاب باید از خودشان باشد. اما خطاب در آیه اخیر—به قرینه سیاق آیه قبل—یا صدقه دهندگان از مؤمنین و یا عموم مؤمنین است (طباطبایی، ۹/۵۱۳). بدین ترتیب در مفهوم اعمال انسان با سبک تغییر مخاطب، معناورزی صورت

گرفت که در آیه نخست بنا بر تصریح مفسران روی سخن متوجه حضرت رسول ﷺ و در آیه دوم روی سخن متوجه مؤمنین است.

## ۷-۹. ایمان به خدا و پیامبرانش

لفظ قرآنی ایمان از ریشه «امن» به معنای آرامش، اطمینان قلب، نبود ترس و تصدیق کردن آمده است (فراهیدی، ۳۸۹/۸؛ ابن فارس، ۱۳۳/۱-۱۳۵؛ ابن منظور، ۲۱/۱۳). ولی در نگاه قرآن ایمان به معنای تصدیق قلبی به خدا، پیامبران و حقانیت آنچه‌ای است که آنان از سوی خداوند آورده‌اند. مؤمن شخصی است که با قلب خود به آنچه پیامبر آورده معتقد باشد. مفهوم ایمان به خدا و پیامبرانش در آیات زیادی از قرآن تصریف شده است. در آیه‌ای می‌خوانیم: «قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَمَا أُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ» (البقره، ۱۳۶). این آیه به مسلمانان دستور می‌دهد که به مخالفان خود بگویند: ما به خدا ایمان آورده‌ایم، و به آنچه از ناحیه او بر ما نازل شده و به آنچه بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و پیامبران اسباط بنی اسرائیل نازل گردید و همچنین به آنچه به موسی و عیسی و پیامبران دیگر از ناحیه پروردگارشان داده شده ایمان داریم (مکارم شیرازی، ۴۶۸/۱). از ابتدای آیه مشخص است که روی سخن و خطاب به عموم مردم مسلمان و مؤمن است. در مباحث پیشین پرداخته شد که هر زمان از حرف «إلی» استفاده شده مخاطب عموم مردم مسلمان هستند. خدای متعال در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «قُلْ آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ عَلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَالنَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ» (آل عمران، ۸۴). خداوند در این آیه به رسول الله ﷺ دستور می‌دهد که بر طبق میثاقی که از او و غیر او گرفته شده، رفتار کند و از جانب خود و همه مؤمنین از امتش بگوید: «آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ عَلَيْنَا...» و این از جمله شواهدی است که شهادت

می‌دهد بر اینکه منظور از میثاق، میثاقی است که از همه انبیا و امت‌های ایشان گرفته شده است (طباطبایی، ۵۲۰/۳). در آیه اخیر لفظ «قل» برای خطاب به پیامبر ﷺ استفاده شده است، همچنین از حرف «علی» برای نزول استفاده شده است که دال بر خطاب به پیامبر اکرم ﷺ است. در این دو آیه هم مانند مفاهیم پیشین از سبک تصریف مبتنی بر تغییر مخاطب استفاده شده که الگویی در آموزش و تربیت مربیان می‌تواند واقع گردد.

### نتایج مقاله

۱- خدای متعال در قرآن کریم برای فهم بهتر و واضح‌تر معنا نزد مخاطبان از روش‌های بیانی مختلفی استفاده نموده است که یکی از آن‌ها روش تصریف مبتنی بر تغییر مخاطب است. پژوهش حاضر با روشی تحلیلی به مطالعه سبک بیانی تصریف بر مبنای تغییر مخاطب در قرآن به عنوان الگویی نوین در تربیت پرداخته و بیان گردید که تصریف به معنای دگرگون بیان کردن یک معناست؛ خدای متعال در موارد متعددی با توجه به شرایط مخاطبان خود از روش‌های متنوعی جهت ایراد معنا استفاده نموده است که در تربیت انسان مسلمان کمک شایانی نموده است؛ چراکه یکی از آسیب‌های مهم در مسئله تربیت، یکنواختی در روش انتقال معنا است که گاه سبب بدفهمی و بی‌حوصلگی مخاطب می‌شود. اما خدای متعال در جاهای مختلف از روش‌های مختلف بر حسب مخاطب خود به معنورزی پرداخته است. بدین رو، خداوند سبحان در قرآن کریم با تصریف متون مختلف مفاهیم مختلف را ارائه نموده است که این سبک معناپردازی و گفت‌مان‌سازی در فهم بهتر و روشن‌تر معنا نزد مخاطبان قرآن تأثیر شایانی دارد و می‌توان آن را نوعی سبک تربیتی هدایتی به شمار آورد.

۲- اصولب تصریف از منظر آیات قرآن بر دو قسم است: الف) تصریف در جهان هستی و ب) تصریف معنا. تصریف در جهان همان اعجاز گوناگون خداوند در آیات بیرونی توسط پیامبران است مانند زنده شدن مردگان، تبدیل عصا به مار بزرگ و امثال اینها، اما تصریف

معنا، گوناگون بیان کردن یک معنا است مانند استفاده خداوند از روش‌های تشبیه، تمثیل، داستان و امثال اینها در قرآن. پژوهش حاضر به تصریف معنا در قرآن پرداخت که می‌تواند الگویی نوین در تربیت واقع گردد.

۳- سبک تربیت بر مبنای تغییر مخاطب در قرآن مصادیق مختلفی دارد: گاهی خداوند برای رعایت حال افراد به گونه‌ای معانی را بیان می‌کند تا راحتتر آن را بفهمند. در این مقاله به عنوان نمونه به تصریف معانی زیر در قرآن به عنوان مصادیق سبک تربیت مبتنی بر مخاطب پرداختیم: مفهوم زنده بودن شهدا، صبر و نماز، ایمان به خدا، رزق و عدم قتل فرزند، اتمام نعمت، رویت اعمال انسان و ایمان به خدا و پیامبران.

۴- در کاربرد علمی این پژوهش می‌توان گفت: نتایج پژوهش حاکی از آن است که قرآن کریم اسلوبی ویژه در ارائه معنا دارد و آگاهی به آن می‌تواند روش نوینی در تربیت به انسان‌ها آموزش دهد تا در انتقال مفاهیم اختلال پدید نیاید. در کاربرد عملی پژوهش حاضر می‌توان گفت بسیاری از مراکز تربیتی که در رأس امور آموزشی- تربیتی هستند می‌توانند از این پژوهش جهت معرفی یک الگوی تربیتی مبتنی بر قرآن استفاده نمایند و با این اسلوب برخی مشکلات و آسیب‌های معلمان و مربیان را در هنگام تربیت و آموزش برطرف کنند.

## کتابشناسی

۱. قرآن کریم.
۲. ابن عاشور، محمد بن طاهر، التحرير و التنوير، بيروت، مؤسسه التاريخ العربي، ۱۴۱۰ق.
۳. ابن فارس، احمد، معجم مقاييس اللغة، بيروت، دارالفكر، ۱۳۹۹ق.
۴. ابن منظور، جمال الدين محمد بن مكرم، لسان العرب، بيروت، دارالاحياء التراث العربي، ۱۴۰۸ق.
۵. اخلاصی، نسرین، بررسی ساختاری و محتوایی سوره یونس در قرآن کریم، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد، استاد راهنما دکتر احمد زارع زردینی، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، ۱۳۹۷ش.
۶. انصاری مقدم، مجتبی، مطالعه معناپردازی در قرآن کریم با اسلوب تصریف، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، ۱۳۹۸ش.
۷. اهوراکی، زهره، حکمت تفاوت تعبیر در آیات مشابه قرآن کریم، مشهد مقدس، نشر آستان قدس رضوی، ۱۳۹۴ش.
۸. بهشتی، سیدمحمدحسین، مبانی تعلیم و تربیت از منظر قرآن. تهران، انتشارات فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۷ش.
۹. حری، ابوالفضل، کارکرد تصریف در دو سوره قرآنی ناظر به داستان آفرینش در پرتو فراکارکرد متنی هلیدی، مجله پژوهش های زبان های خارجی، شماره ۵۵، ۱۳۸۸ش.
۱۰. خرقانی، حسن، جستاری در تکرار بندهای قرآن، مجله قرآن شناخت، شماره ۹، ۱۳۹۱ش.
۱۱. دهنوی، حسین، روش تحقیق، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۳ش.
۱۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن. دمشق، دارالعلم - الدار الشامیه، ۱۴۱۲ش.
۱۳. رجب، رضیه، پژوهشی پیرامون سبک تصریفی بیان قرآن کریم، استاد راهنما محمدعلی لسانی فشارکی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۱ش.
۱۴. رفیع پور، فرامرز، آناتومی جامعه، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۷ش.
۱۵. رمائی و خطابی و جرجانی، ثلاث رسائل فی اعجاز القرآن، تحقیق و تعلیق، محمد خلف الله احمد و محمد زغلول سلام، قاهره، دارالمعارف، بی تا.
۱۶. زارع زردینی، احمد و لسانی فشارکی، محمدعلی و میثم خلیلی، گونه شناسی ساختار چینش آیات در رکوعات قرآنی، دو فصلنامه علمی پژوهش های زبان شناختی قرآن، سال هشتم، شماره دوم، ۱۳۹۸ش.
۱۷. زرکشی، بدرالدین، البرهان فی علوم القرآن، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، داراحیاء التراث العربیه، ۱۳۷۶ش.
۱۸. زرکشی، محمد بن عبدالله، البرهان فی علوم القرآن، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۱۰ق.
۱۹. زمخشری، محمود، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و ...، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۰۷ق.
۲۰. سیوطی، جلال الدین، الإیتقان فی علوم القرآن، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۲۱ق.
۲۱. شاهسوندی، شهره و امید خانه زاد، تغییر مخاطب در قرآن؛ راهکارهای ترجمه، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۴۰۰ش.
۲۲. طباطبائی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم، انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴ش.
۲۳. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ترجمه گروهی از محققان، تهران، ناصرخسرو، ۱۳۶۰ش.
۲۴. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، تهران، انتشارات مرتضوی، ۱۳۷۵ش.
۲۵. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین. تحقیق: مهدی مخزومی و ابراهیم سامرای. قم، هجرت، ۱۴۱۰ق.

۲۶. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، القاموس المحيط. (تحقیق: مکتب تحقیق التراث فی موسسه الرساله). بیروت: موسسه الرساله، ۱۴۲۶ق.
۲۷. قائمی مقدم، محمدرضا، روش‌های تربیتی در قرآن، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاهی با همکاری سمت، ۱۳۹۱ش.
۲۸. کرمانی، برهان الدین محمود بن حمزه بن نصر، البرهان فی توجیه متشابه القرآن لما فيه من الحجة و البیان، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۶ق.
۲۹. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، وزارت ارشاد اسلامی، ۱۴۱۷ق.
۳۰. مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت اسلامی، تهران، صدرا، ۱۳۶۸ش.
۳۱. معلوف، لوئیس، المنجد، قم، دارالعلم، ۱۳۸۳ش.
۳۲. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ش.
۳۳. نادری، عزت‌الله و سیف نراقی، مریم، روش‌های تحقیق و چگونگی ارزشیابی آن در علوم انسانی؛ با تأکید بر علوم تربیتی، تهران، دفتر تحقیقات و انتشارات بدر، ۱۳۷۸ش.
۳۴. نجفی ایوکی، علی و زرکار، زهره، زیبایی‌شناسی آیات مشابه در قرآن کریم، تفسیر و زبان قرآن، شماره ۱۴، ۱۳۹۸ش.
۳۵. نقرات، عبدالله، بلاغة تصریف القول فی القرآن کریم، دمشق، دار قتیبه، ۱۴۲۳ق.
۳۶. نکونام، جعفر، روش تحقیق کتابخانه‌ای با تأکید بر علوم اسلامی، قم، انتشارات اشراق، ۱۳۷۹ش.
۳۷. نیکزاد، محمود، کلیات تعلیم و تربیت، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۷۱ش.